

بسم الله الرحمن الرحيم

ارتباط منصب‌های پیشنهادی ترامپ به دولت آمریکا با ایران

(ترجمه)

خبر:

روزنامه نیویورک تایمز روز پنج‌شنبه گزارش داد که ایلان ماسک، میلیاردر نزدیک به دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا با سفیر ایران در سازمان ملل دیدار کرده است تا تنش میان تهران و واشنگتن را کاهش دهد. این روزنامه به نقل از دو منبع ایرانی که نام‌های‌شان ذکر نشده اعلام نمود که دیدار بین ثروتمندترین مرد جهان و سفیر ایران، امیر سعید ابروانی مثبت بوده است (منبع: العربية)

تبصره:

دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای چند منصب مهم دولت آمریکا نامزدهایی را پیشنهاد کرده است که جهت‌گیری سیاست خارجی وی از جمله خاورمیانه را نشان می‌دهد. از جمله کسانی که برای این مناصب نامزد شده‌اند می‌توان به مارک روبریو که به مواضع ضد نفوذ چین و ایران شهرت دارد برای سمت وزیر خارجه و بیت هیگیت به عنوان وزارت دفاع و مایکل والتز به‌عنوان مشاور امنیت ملی اشاره کرد.

ترامپ در جریان کارزار انتخاباتی خود گفته بود که سیاست جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، در جلوگیری از اعمال تحریم‌های سخت‌گیرانه بر صادرات نفت ایران، واشنگتن را تضعیف، تهران را تشویق نموده و به ایران این امکان را داده است که نفت بفروشد، پول جمع‌آوری کند، قدرت هسته‌ای خود را افزایش دهد و نفوذ خود را از طریق گروه‌های مسلح گسترش دهد. اما دیدار ایلان ماسک با سفیر ایران، آن هم به درخواست ماسک چه معنایی دارد؟

اولاً: آمریکا کشوری نیست که توسط یک فرد، گروهی از افراد یا حتی یک حزب اداره شود؛ بلکه یک کشور مبتنی بر نهادها و مؤسسات است که هرکدام وظایف و اختیارات خاص خودشان را دارند. در این کشور سیاست خارجی تا حد زیادی تحت کنترل دولت سایه است؛ حتی اگر نشانه‌هایی از اختلاف نظر وجود داشته باشد. این اختلافات معمولاً به سیاست داخلی محدود می‌شوند و همه حوزه‌ها را در بر نمی‌گیرند. از نکات قابل توجه اینست که انتصابات ترامپ عمدتاً شامل افرادی نیست که وزن سیاسی بالایی داشته باشند؛ بلکه بیشتر افرادی هستند که به وفاداری و اطاعت شخصی از ترامپ مشهورند. بنابراین، این افراد لزوماً بر اساس دیدگاه‌ها و مواضع خود، رهبری روابط را به عهده نخواهند گرفت.

ثانیاً: ایران گنجینه‌ای ارزشمند به آمریکا است و نقش بزرگی در حفظ منافع آن ایفا می‌کند؛ به‌ویژه در زمان بحران‌ها و دشواری‌ها. این مسئله مورد تأیید سیاستمداران ایرانی نیز قرار گرفته است. به عنوان مثال علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در سال 2002 طی اظهاراتی که روزنامه "الشرق الأوسط" آن را منتشر کرد، گفت: «نیروهای ایرانی با طالبان جنگیدند و به شکست آن‌ها کمک کردند.

اگر ما به نیروهای آمریکایی در مبارزه با طالبان کمک نمی‌کردیم، آمریکایی‌ها در باتلاق افغانستان غرق می‌شدند. آمریکا باید بداند که بدون سپاه مردمی ایران نمی‌توانست طالبان را سرنگون کند.» ایران در جریان بهار عربی نیز به شکل قابل توجهی ظهور کرد، که این امر ناشی از ضعف ابزارها و گزینه‌های آمریکا در آن دوره بود. دلایل و شرایط این ضعف جای بحث در اینجا نیست؛ اما نکته جالب توجه اینست که کمیته بیکر-همیلتون در توصیه‌های خود تصریح کرده بود که باید عراق به ایران و سوریه سپرده شود. این کمیته پیشنهاد داده بود که مذاکرات مستقیم با ایران و سوریه انجام شود تا تعهد آن‌ها به سیاست‌های سازنده در قبال عراق و دیگر مسائل منطقه‌ای جلب شود. هدف این مذاکرات، تکرار همکاری ایران و آمریکا در افغانستان و تطبیق آن بر شرایط عراق بود. اما سوال اینجاست: چگونه آمریکا می‌تواند تا این حد به دشمن قسم خورده خود (محور شرارت) اعتماد کند؟ و چگونه ایران می‌تواند دشمن خود (شیطان بزرگ) را از باتلاق‌ها نجات دهد، اگر اعتماد و رابطه‌ای بزرگ میان آن‌ها وجود نداشته باشد که دیگر بر کسی پوشیده نیست؟!

ثالثاً: پس چگونه باید دعوت به این دیدار را درک کنیم و چرا؟ مشخص است که ذهنیت ترامپ و کسانی که از پشت سر او حمایت می‌کنند، در راستای تحقق منافع آمریکا و تبلیغ برای روش و سبک مدیریتی او پیش می‌رود. این سبک به گونه‌ای است که طرف مقابل مجبور به ارائه امتیازات بزرگ و چشمگیر می‌شود، به دلیل ترس از تبعات تهدیدات آمریکا. به نظر می‌رسد که ایران متوجه شده یا پیش‌بینی کرده که ممکن است ترامپ به قدرت بازگردد؛ بنابراین تغییرات داخلی بزرگی را آغاز کرده است، از جمله انتخاب رئیس‌جمهور جدید ایران. علاوه بر این جواد ظریف، وزیر خارجه پیشین و مهندس توافق هسته‌ای ایران به عنوان مشاور رئیس‌جمهور جدید منصوب شده است. به نظر می‌رسد این سفیر از انتصابات یا توصیه‌های ظریف باشد که پس از گرفتن مسئولیت معاونت رئیس‌جمهور در امور استراتژیک، وظیفه نظارت بر تحولات ملی و بین‌المللی و تحقق اهداف قانون اساسی را بر عهده داشته است. درست است که جواد ظریف بعداً استعفای خود را به دلایل مختلفی، از جمله اقامت در آمریکا و اتهام جناح محافظه‌کار به او به عنوان یکی از اعضای "باند نیویورک" که شامل دیپلمات‌های لیبرال و حامیان آمریکا بود، تقدیم کرد. اما او و کسانی که با او هستند، هم‌چنان در سایه کار خواهند نمود. هدف از انتصاب او در مقام مشاور این است که مذاکرات با آمریکا را فعال کرده و به توافقات جدیدی دست یابد که مرزهای نفوذ ایران را مشخص کند و به این ترتیب ایران بتواند نقش خود را در چارچوب استراتژی آمریکا ایفا کند. این تلاش‌ها ممکن است به ایران فرصتی برای انجام یک معامله بزرگ با ترامپ به سبک معامله‌گری او بدهد.

از اینجا می‌توان فهمید که دیدار زود هنگام ایلان ماسک با سفیر ایران به منظور دست‌یابی به یک معامله تا زمان بازگشت ترامپ و کاهش بحران‌ها با دستاوردهای سیاسی و اقتصادی است که به ایران این امکان را می‌دهد تا از انزوا و تحریم‌های تحمیل شده خارج شود. این‌ها تنها نظریه‌پردازی نیست؛ بلکه گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که ایران آمادگی خود را برای حل بحران هسته‌ای با غرب اعلام کرده است. این پیام توسط رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، به تروئیکای اروپایی منتقل شد. طبق اخبار، دیپلمات‌ها اعلام کردند که قدرت‌های اروپایی قصد دارند تصمیم جدیدی علیه ایران در هیئت مدیره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بگیرند تا تهران را به دلیل همکاری کم‌تر تحت فشار قرار دهند؛ در حالی که جهان در انتظار بازگشت رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، دونالد ترامپ، است.

نویسنده: حسن حمدان

مترجم: عبدالرحمن مستنصر